تبیین و تحلیل زمینه‌های سازواری و همگرایی مؤلفه‌های تفکر انتقادی با تربیت دینی

آنیتا همایون فرد*

دکتر سید مهدی سجادی**

چکیده

دیدگاههایی که تربیت دینی را در تضاد با عقلانیت و اندیشه ورزی می‌بینند، منشأ بسیاری از شبهات و پرسشهایی اند که در این زمینه مطرح شده اند. بر همین اساس امروزه عناوینی چون القای تفکر عقلانی، تفکر انتقادی و خلاقیت از موضوعات مهم تربیتی هستند که نظر پژوهشگران را به خود جلب کرده اند. در تعلیم و تربیت امروز گرایش به تفکر انتقادی یکی از ملزومات زندگی عقلانی قلمداد شده است. در کشور ما، ضرورت تربیت دینی به منزلهٔ وظیفهٔ مهم و اصلی تعلیم و تربیت پذیرفته شده است و باید به گونه‌ای اعمال شود که در مقابل چالشهای موجود به بهترین شکل، مخاطبان را جذب کند. بنابراین، باید تلاش کرد تا به شیوه‌های موجود در این فرآیند، کیفیت بخشید و آن را بهتر و زیباتر به نسل جوان ارائه داد. اگر تربیت دینی بتواند با روشهای جدید منطبق شود، گامی مؤثر برای جذب افراد به دینداری برداشته است. یک راهکار اساسی در جامعه ما، داشتن تفکر انتقادی در شیوه‌های تربیت دینی است. این مقاله، با روش تحلیل مفهومی و نیز با استناد به منابع معتبر، تلاش می‌کند به تطبیق و همگرایی مؤلفه‌هایی که در تفکر انتقادی و تربیت دینی مؤثرند، بپردازد. نتیجه این پژوهش، اشتراک برخی مؤلفه‌های تفکر انتقادی و تربیت دینی را به ویژه در بعد شناختی مورد تأکید قرار می‌دهد و ثابت می‌کند که این مؤلفه‌ها با هم تطابق و همخوانی دارند.

کلید واژگان: تفکر انتقادی، تربیت دینی، همگرایی

تاریخ دریافت: ۹۴ /۵/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۰

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی anitahomayoonfard@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس sajadism@modares.ac.ir

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

مقدمه

دستیابی به نظام کارآمد تعلیم و تربیت در کشوری چون ایران که از تمدنی کهن برخوردار بوده و عقاید و ارزشهای اسلامی بر آن حاکم است، مستلزم تدقیق، بازنگری و نقد اصول و روشهای تربیتی سنتی و همچنین مطالعه در نظریه‌های جدید تعلیم و تربیت و کاوش در مبانی نظری آنها و بررسی تناسب اصول این نظریه‌ها با عقاید و ارزشهای ملی و اسلامی و در نهایت، تلاش روشمند برای تدوین نظریه‌ای کارآمد در عرصه تعلیم و تربیت است. امروز در جامعه دینی ما در بیشتر موارد، شیوه یادگیری مبتنی بر عادت دادن است و بسیاری از افراد با تفکر انتقادی بیگانه‌اند. مخاطبان تربیت دینی در نظام آموزشی، نسلی به شدت تنوع طلب هستند و شیوه‌های سنتی و قدیمی و روشهای تکراری، جوابگوی نیاز آنها نیست (علیخانی، ۱۳۸۲). در تعلیم و تربیت امروز گرایش به تفکر انتقادی یکی از ملزومات زندگی عقلانی به شمار می آید. تفکر انتقادی از نظر اسلام واژه ای بیگانه نیست و در تعالیم دینی از جایگاهی مثبت و پسندیده برخوردار است. بازاندیشی در قرآن و آموزه‌های روشنگر آن، ما را در ضرورت التفات به این ابزار کارآمد و پالاینده افکار و اندیشه‌ها یاری می‌رساند. آیات و روایات بسیار وجود دارد که محتوای آنها بررسی و ارزیابی دقیق امور، تحلیل اطلاعات و کاربرد روش منطقی برای دستیابی به نتایج آنهاست. «یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا اباءکم و اخوانکم اولیاء ان استحبوا الکفر علی الایمان: ای اهل ایمان، شما پدران و برادران خود را نباید دوست بدارید اگر آنان کفر را بر ایمان برگزینند » (سوره توبه، آیه ۲۳). « و وصینا الانسان بوالدیه حسنا و ان جاهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلا تتعهما: و ما به آدمیان سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کنند و اگر آنها بکوشند تا تو به من که خدای یگانه ام از روی جهل و نادانی شرک آوری در اینجا هرگز از امر آنها اطاعت نکن» (سوره عنکبوت، آیه ۸). استاد مطهری، سخنی از حضرت مسیح (ع) نقل کرده است: «خُذِالحَقَّ مِن اَهلِ الباطِلِ و لا تَاخُذِ الباطِلَ مِن اَهلِ الحَقِّ. ای بسا حق را از اهل باطل بشنوید، بگیرید، و ای بسا باطل را از اهل حق بشنوید، نگیرید» (مطهری، ۱۳۷۹). این روایت، صریحاً تفکر انتقادی را آموزش می‌دهد و میزان را در درستی و نادرستی مطلب می‌داند نه معتقدان و مخالفان آن. امام علی (ع) می‌فرمایند: «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال: نگاه کن که چه می‌گویند و توجه نکن که چه کسی می‌گوید» (غررالحکم، ۳/۲۶۸). پس به نظر می‌رسد توجه به تفکر انتقادی، راهکاری عقلانی و لازمه تربیت دینی است. تطبیق مؤلفه‌ها و عناصر تفکر انتقادی با آموزه‌های تربیت دینی و به ویژه دین اسلام، سبب می‌شود تا با روشی نوین به تربیت دینی نگریسته شود و نیز تبیین این موضوع،

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

سبب تقویت پایه‌های نظری تفکر انتقادی در تربیت دینی می‌گردد. برای نهادینه شدن تفکر انتقادی در تربیت دینی در سطح جامعه و توجه کاربردی‌تر به این فرآیند، لازم است که با جنبه‌های نظری این دو پارادایم بیشتر آشنا شوید. برای دستیابی به این امر مهم، این مقاله در تلاش است تا وجوه مشترک میان تفکر انتقادی و تربیت دینی را شناسایی کند. هدف اصلی، پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا تربیت دینی می‌تواند واجد ظرفیت تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن باشد؟ یا به تعبیر دیگر، آیا تفکر انتقادی در فضای تربیت دینی، امکان پذیر است؟ ابتدا باید به این سؤالات فرعی پاسخ داده شود: الف) منظور از تفکر انتقادی و تربیت دینی چیست؟ ب) تفکر انتقادی و تربیت دینی دارای چه مؤلفه‌های مشترکی هستند؟

تفکر انتقادی[1] و تربیت دینی[2]

تعاریف متفاوتی از تفکر انتقادی شده که نشان دهنده تفاوت دیدگاهها در تعریف این مقوله است. از نظر الدر و پل[3] (۲۰۰۸) تفکر انتقادی، تفکری تحلیلی و ارزیابی کننده توأم با دیدگاهی برای بهبود آن تفکر است. از نظر نلسون[4] (۲۰۰۱)، تفکر انتقادی به مجموعه تلاشهای سازمان یافته، هدفمند و جدی برای فهم دنیای پیرامون اطلاق می‌شود که با ارزیابی دقیق ما از تفکرات خود و تفکرات دیگران به منظور روشن سازی و بهبود فهم مان صورت می‌گیرد. از نظر چانس[5] (۱۹۸۶) تفکر انتقادی، توانایی تحلیل واقعیات، تولید و سازماندهی اندیشه‌ها، دفاع از دیدگاهها، انجام مقایسه، کسب نتایج، ارزیابی بحثها و حل مسائل است. سامسون[6] و همکاران (۲۰۰۷) تفکر انتقادی را هنر تحلیل و ارزیابی تفکر با نظری به اصلاح و بهبود آن می‌دانند. از نظر اسکریون[7] و پل (۲۰۰۷)، تفکر انتقادی، تفکر خود- رهبری، خود- نظم بخشی، خود- کنترلی و خود- تصحیحی است. نگارنده با بررسی و ترکیب برخی تعاریف تفکر انتقادی، تعریف زیر را تعریفی جامع و همه جانبه نگر از تفکر انتقادی می‌داند: تفکر انتقادی، تفکری است مستدل و مستند به مدارک و اطلاعات موثق که با بررسی دقیق افکار و عقاید و با ارائه دلایل و شواهد به قضاوت صحیح و ارزیابی مسائل پیچیده می‌پردازد و به افراد کمک می‌کند تا برای دستیابی به نتیجه‌گیری و تصمیم‌گیری مناسب، شیوه بررسی دقیق آنچه را به آن معتقدند، دریابند و دلایل اعتقاد خود را

1. Critical thinking
2. Religious education
3. Elder & Paul
4. Nelson
5. Chance
6. Sampson
7. Scriven

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

توسعه دهند. به طور کلی، تفکر انتقادی به بررسی و ارزیابی، اصلاح، تعویض و دوباره‌سازی یک مسئله می‌پردازد و به سطوح بالاتر یادگیری یعنی تجزیه و تحلیل و ترکیب مربوط می‌شود.

همچنین مفهوم تربیت دینی، با توجه به سه محور شناخت، ایمان و عمل تحقق می‌یابد. بنابراین، می‌توان گفت: تربیت دینی به هر گونه فعالیت هدفمندی گفته می‌شود که در نظام آموزش و پرورش کشور، به منظور تقویت ایجاد شناخت و باور به معارف دینی، گرایش به ارزشها و هنجارهای دینی و التزام عمل به احکام و دستورات دینی طراحی شده است (صادق زاده قمصری، ۱۳۸۰). تربیت دینی، به معنای فعالیتهای نظام مند و برنامه ریزی شده نهادهای آموزشی جامعه به منظور آموزش بینش، منش و آموزه‌های دین به افراد است، به گونه ای که در عمل نیز به آن پایبند باشند (داوودی، ۱۳۸۳). یعنی تربیت دینی فرآیندی است که از طریق اعطای بینش، التزام قلبی و عملی به فرد، هماهنگ با فطرت و به دور از جبر و فشار، برای دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد.

مؤلفه‌های تفکر انتقادی و تربیت دینی

تفکر انتقادی دربردارنده مؤلفه‌هایی است که موجب تعریف، تشخیص و معرفی این مهارت می‌شود. به منظور گردآوری اطلاعات لازم، اسناد و مدارک مربوطه و در دسترس، گردآوری و به شیوه کیفی تحلیل شدند (مطالعه توصیفی- تحلیلی از نوع تحلیل اسنادی). به این منظور، دیدگاه فیلسوفان، متفکران و اندیشمندان مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. سپس با قرار دادن همهٔ عناصر و مؤلفه‌ها و با توجه به اینکه کدام مؤلفه‌ها یا ویژگیها بیشترین اشتراک را در میان صاحب نظران گوناگون دارند، مؤلفه های اساسی تفکر انتقادی معرفی شده اند. این عناصر مشترک استخراج شده عبارت اند از: حقیقت جویی، دقت و نگاه تیزبینانه، عینیت گرایی در تفکر، گستردگی فکر (ذهن باز)، استدلال، تحلیلی بودن (بررسی از زوایای مختلف)، شفافیت (روشن اندیشی)، یافتن راه حل بیطرفانه (پرهیز از تعصب)، شک گرایی معقول (تردید سازنده)، انعطاف پذیری، خودگردانی ذهنی(استقلال فکری)، قضاوت صحیح با معیار روشن، داشتن انصاف و احترام قائل شدن به سایر دیدگاهها، کنجکاوی، روشمند بودن، پرسشگری، انگیزه و تمایل درونی، صبر، کوشش و پشتکار.

در واقع، چون تربیت ما دینی است و هدف گذاری آن از متن دین است، مؤلفه‌هایی که جهت دستیابی به اهداف در نظر گرفته می‌شود، باید با هدفها تناسب کامل داشته باشند. از این رو نیازمند شاخصهایی هستیم که وضعیت تربیتی موجود را با آن شاخصها مورد ارزیابی قرار دهیم. مؤلفه‌ها و

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

شاخصها در هر یک از مکاتب تربیتی با توجه به دیدگاه آن مکتب نسبت به انسان و اهداف تربیتی تدوین می‌شوند. مثلاً، رفتارگرایان هدف از تعلیم و تربیت را کسب یا تغییر رفتارهای گوناگون می‌دانند. از طرفی هم شناخت گرایان توجه خود را معطوف به فرآیندهای ذهنی کرده اند. از دیدگاه ایشان رفتار، حاصل فرآیندهای ذهنی است. در این دیدگاه روانشناسان، توجه به وجه تمایز انسان از سایر حیوانات یعنی عقل، تفکر و سایر فرآیندهای ذهنی کرده اند (سیف، ۱۳۸۲). اما مکتب دینی ما، نظری متعادل میان این دو دیدگاه بیان می‌کند. پیامبران ابتدا گرایشهای فطری و حقیقت جویی را در انسانها بیدار می‌کردند، سپس با دادن شناخت و معرفت به انسانها زمینه عمل آگاهانه را فراهم می‌کردند. یعنی هر سه بعد (مقوله) گرایشها و تمایلات، شناخت و معرفت (فرآیندهای ذهنی) و رفتار(عمل) از نظر اسلام، به منزلهٔ اضلاع یک مثلث دارای اهمیت اند. بنابراین، مجموعه شاخصها و معیارهای تربیت دینی و به ویژه تربیت اسلامی را می‌توان تحت سه مؤلفه (مقوله) کلی: فرآیندهای ذهنی (شناختی)، رفتار(عمل) و تمایلات(گرایشها) طبقه بندی کرد. براساس یافته‌های پژوهش، مؤلفه‌های جزئی و تقریباً مشترک، تحت پوشش این سه بعد یا مؤلفه کلی به شرح ذیل ارائه می گردد:

الف) فرآیندهای ذهنی (شناختی): شامل مؤلفه‌های جزئی: تفکر و عقلانیت، تقوای حضور و انگیزه درونی، نقد و ارزیابی، گزینش و طرد، آزادگی و آزادمنشی، بصیرت و معرفت، انصاف و عدالت پذیری، روحیه تحقیق و حقیقت جویی، علم و دانش.

ب) رفتاری (عملی): شامل مؤلفه‌های جزئی: روحیه تلاش و عمل گرایی، عبادت، تعهد و مسئولیت شناسی، امانت داری، روحیه رفق و مدارا، صبر و استقامت، روحیه فداکاری و ایثار، عفت و پاکدامنی، تواضع و فروتنی، روحیه گذشت و جوانمردی.

ج) عاطفی (تمایلات و گرایشها): شامل مؤلفه‌های جزئی: ولایت پذیری، محبت و حب الهی.

مؤلفه‌ها و شاخصهای همگرا در تفکر انتقادی و تربیت دینی

پس از شناسایی شاخصها و مؤلفه‌های بنیادی و مشترک تفکر انتقادی و تربیت دینی، بایستی آن مؤلفه‌های اساسی را با هر دو پارادایم مطابقت داد. در اسلام، گرچه به طور مستقیم به تفکر انتقادی اشاره نشده است، اما آموزه‌های تربیتی بسیاری در این باب ارائه شده است. این آموزه‌های تربیتی با برخی مؤلفه‌های تفکر انتقادی انطباق و همخوانی دارند. در این قسمت، به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

حقیقت جویی، روحیه تحقیق

از ابتدایی‌ترین تمایلات تفکر انتقادی، جستجوگری حقیقت است. لسینگ یکی از روشنفکران قرن ۱۸ در اثر خود به نام " پاسخ دوم" ، حقیقت جویی در اندیشه انتقادی را چنین توصیف می‌کند: "نه حقیقتی که انسانی را در تصرف خود دارد یا خیال می‌کند که بدان دست یافته است، بلکه تلاش صادقانه ای که به کار می‌برد، تا به پس آن حقیقت، معرفت یابد، ارزش انسان را می سازد، زیرا انسان نه از راه تصاحب حقیقت، بلکه از راه پی جویی آن است که توانمند می‌شود و سیر تکامل را می پیماید ". لسینگ می‌گوید: ارزش آدمی به این نیست که حقیقت را به چنگ آورد، بلکه ارزش او به تلاش خستگی ناپذیر و صمیمانه ای است که برای دستیابی به حقیقت انجام می دهد (بار[1]، ۱۳۷۶، ص ۷۵). این ویژگی در تفکر انتقادی با روحیه تحقیق در تربیت دینی همخوانی دارد. انسان می‌خواهد جهان و هستی اشیا را آن گونه که هستند دریابد. دعایی از حضرت محمد (ص) روایت شده است که: رب ارنا الاشیاء کما هی: پروردگارا موجودات را آن چنانکه هستند به ما بنمایان (بحارالانوار، ج ۱۴، ص۱۰). انسان به ذات خود در پی آن است که حقایق جهان را درک کند و به راز هستی پی ببرد. رفتن انسان در پی حکمت و فلسفه، تلاشی است در جهت پاسخ گویی به حقیقت جویی آدمی (طباطبایی، ۱۳۶۲). گرایش فطری به حقیقت جویی، سبب ایجاد روح استدلال و برهان گرایی در انسان می‌شود. جمود که بدتر از جهالت است، عبارت است از روح ضد تحقیق؛ عبارت است از حالتی که مقدس‌ترین روحیه را که روحیه تحقیق و کاوشگری است، از بشر می‌گیرد. شاید بشود گفت همان طوری که جمود از جهل زشت‌تر است، حس تحقیق از خود علم مقدس‌تر است (مطهری، بی‌تا). امام علی (ع) در جمله‌ای کوتاه، اسلام را تسلیم در مقابل حقیقت معرفی می‌کند: «الاسلام هو التسلیم» (نهج البلاغه، حکمت ۱۲۵).

فرد منتقد باید در نقد و فرایند انتقادی خویش، در پی کشف حقیقت و راستی باشد و در مورد امور، روشنگری و تحقیق کند و درستی شایعه‌ها و گفته‌ها را دریابد. کافی است در این موضوع به فرموده‌ای از پیامبر (ص) اشاره کنیم که می‌فرماید: «کبرت خیانۀ أن تحدث أخاک حدیثًا هو لک مصدق وأنت له کاذب»، خیانتی بزرگ است که به برادر مؤمنت سخنی بگویی و او نیز تو را تصدیق نماید، در حالی که به او دروغ بگویی (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج۳، ص۲۴۸). تحقیقی بودن دین، امری عقلی و شرعی است. بنابراین نهاد تعلیم و تربیت، به جای تدریس اجباری و تحمیل

1. Bahr

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

اعتقادات یک دین خاص به دانش آموزان، باید روحیه تحقیق و مطالعه و جستجوی حقیقت را در آنها پرورش دهد.

دقت و نگاه تیزبینانه، بصیرت و روشن بینی

منظور از کلمه انتقادی در تفکر نقاد، نگاه گله‌مندانه و شکایت آمیز نیست، بلکه نگاهی دقیق و تیزبینانه[1] است (سیف، ۱۳۷۹). منظور از این مؤلفه آن است که فرد در مواجهه با عقاید، دانش و نظرات، با رفتن از سطح به عمق و توجه به ابعاد گوناگون یک مسئله، آن را به طور دقیق بررسی کند. دیویی[2]، تفکر انتقادی را بررسی فعال پایدار و دقیق هر عقیده یا دانش می‌داند (شعبانی،۱۳۸۷). لیپمن[3] معتقد است که تفکر انتقادی شامل بازسازی و تجدید نظر و بررسی دقیق افکار است (به نقل از هاشمیان نژاد، ۱۳۸۰). هاشمیان نژاد (۱۳۸۰) معتقد است که تفکر انتقادی «در جهت دقت، بررسی و تجدید نظر عقاید و نظرات و اعمال» است. این خصیصه در تفکر انتقادی، با مؤلفه بصیرت و روشن بینی در تربیت دینی همخوانی دارد. از لوازم تیزبینی و بصیرت، این است که انسان از دقت و ظرافت و فهم خوبی برخوردار بوده و روحیه حساس و دقیقی داشته باشد. حضرت علی (ع) در سخنی، انسان بصیر را چنین توصیف می‌کند: « اِنّمَا البَصِیرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفکَّرَ، وَ نَظَرَ فَأبْصَرَ، وَانْتَفَعَ بِالْعِبَرِ...» همانا بینا کسی است که (به درستی) بشنود و سپس (در آن) بیندیشد، و (به درستی) بنگرد و بینا گردد و از عبرتها پند گیرد... (نهج البلاغه، خ۱۵۳). به عبارت دیگر به نظر امام (ع)، یکی از مراحل ایجاد بینش عبارت است از: دقت و تیزبینی (اندیشه). در سوره ملک، آیات ۳ و ۴ برای تأکید بر دقت و تیزبینی انسان، آمده است: بار دیگر نگاه کن و عالم را با دقت بنگر، آیا هیچ شکاف و خلل و اختلافی در جهان مشاهده می‌کنی؟! (فارجع البصر هل تری من فطور). و لذا در آیه بعد برای تأکید همین معنی می افزاید: بار دیگر دیده خود را باز کن، و دوباره به عالم هستی بنگر، سرانجام چشمانت به سوی تو باز می‌گردد در حالی که خسته و ناتوان شده، و در جستجوی خلل و نقصان در این عالم بزرگ ناکام مانده است! (ثم ارجع البصر کرتین ینقلب إلیک البصر خاسئا و هو حسیر). کرتین از ماده کر (بر وزن شر) به معنای توجه و بازگشت به چیزی است، و کره به معنای تکرار و کرتین تثنیه آن است، ولی بعضی از مفسران گفته اند که کرتین در اینجا در معنای تثنیه به کار نرفته، بلکه منظور دقت و توجهی مکرر و پی در پی و متعدد است. از این آیه و آیات ابتدائی سوره ملک دو نتیجه مهم می‌توان گرفت: یکی اینکه

1. Thoughtful
2. Dewey
3. Lipman

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

قرآن به همه رهروان راه حق، دستور اکید داده است که هر چه می‌توانند در اسرار عالم هستی، دقت کنند، و به یک بار و دو بار قناعت نکنند، زیرا دیدگاه تیزبین لازم است که بعد از چندین نگاه، اسرار را بیابد. دیگر این که هر قدر انسان در این نظام دقیق تر شود، انسجام آن را بهتر درک می‌کند، انسجامی خالی از هر گونه نقص و خلل. از این‌رو بر هر مسلمان لازم است با مطالعه دقیق و تیزبینی لازم به بصیرت خویش بیفزاید تا در دام شیادان و فریبکاران نیفتد.

پرهیز از تعصب و اغراض شخصی، تواضع و فروتنی

افرادی که در زمینه مهارتهای تفکر انتقادی تعلیم می‌بینند، در پذیرش عقاید احتیاط می کنند و در جست و جوی دلایل و سنجش آنها هستند. این گونه افراد، در برابر تعصبهای گمراه کننده خود، مقاوم هستند (مک‌کارتی[1]، ۲۰۰۰). از نظر راسل[2]، یکی از مهارتهای فرد منتقد، توانایی برای یافتن راه حل بیطرفانه است که مستلزم تشخیص و کنترل تعصبات شخصی و قضاوت درباره موضوعات بر حسب شایستگی آنها، تلاش برای پی بردن به حقایق مرتبط و قدرت سنجیدن استدلالها است. جهان بینی فاقد تعصب درباره عقاید و باورهای شخصی و آمادگی درونی برای اهمیت دادن به طرف مقابل، از نگرشهای انتقادی اوست. ملکیان (۱۳۸۵)، تواضع را از فضایل فکری فرد منتقد می‌داند. به عقیده او، شخص به میزانی که از تواضع محروم است، گرفتار خود شیفتگی، پیش داوری، جزم و تعصب است و نظرات او از حق و حقیقت به دور است. تواضع فکری، یکی از ویژگیهای تفکر انتقادی استاندارد، از نظر ریچارد پل و الدر (۲۰۰۵) است. تواضع فکری، رشد آگاهی فرد نسبت به جهل خویش است. چنین چیزی نیازمند آگاهی فرد ازسوگیری‌ها، تعصب، محدودیت در دیدگاهها و میزان عدم آگاهی اوست (پل و الدر، ۲۰۰۵). داشتن تواضع فکری بدان معناست که انسان به صورت موقت، آرای خود را باور داشته باشد تا با استدلال و شواهد جدید آنها را تغییر دهد. این ویژگی در تفکر انتقادی با مؤلفه تواضع و فروتنی در تربیت دینی همخوانی دارد. اگر تواضع و فروتنی و پذیرش اینکه انسان برای کمال، نیازمند غیر خود است و باید در برابر برنامه‌های او پذیرش داشته باشد، در وی نباشد، امکان تحقق فضای تربیت از میان می‌رود. محور تواضع، نوعی نگاه به خود از زاویه قبول کاستیها و نقصانهای خویش است. تواضع و فروتنی سبب نزدیکی به سرچشمه هدایت و زندگی در بهشت هدایت است (مشایخی راد، ۱۳۸۰). تعصب نیز به دو قسم مذموم و ممدوح تقسیم می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴). تعصب که

1. McCarthy
2. Russell

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

بار منفی دارد و به معنای لجاجت، تکبر و وابستگی غیر معقول به کسی یا چیزی است، پیامدهای منفی و تقلید کورکورانه و جمود اندیشی را در پی دارد. تعصب بدین معنا از منظر اسلام مذموم بوده و در آموزه‌های دینی شدیداً نکوهش شده است، تا آنجا که پیامبر (ص) آن را یکی از ویژگیهای جامعه عصر جاهلیت خوانده و فرموده است:"هر کس در دلش به اندازه خردلی عصبیت باشد، خداوند روز قیامت او را با اعراب جاهلیت محشور می کند" (سوره فتح، آیه ۲۱۶). امام علی(ع) نیز تعصب غیر منطقی را عامل انحراف و بدبختی خوانده است (نهج البلاغه، خطبه قاصعه). تعصب به معنای حمایت از دین و تلاش در نگهبانی از دین و کوشش برای ترویج آن، ممدوح بوده و در آموزه‌های دینی بدان سفارش شده است. یکی از آسیبهای تربیت دینی، انحصارگرایی است. انحصارگرایی در صورت رسوخ به فرآیند تربیت دینی، نه تنها مانع تحقق بخشیدن به اهداف واقعی تربیت دینی می‌شود، بلکه اساس تربیت دینی را که همان عقلانی و انتقادی بودن است تضعیف می‌کند و زمینه‌های ورود جنبه‌های تلقینی را به فرآیند تربیتی فراهم می‌سازد. در انحصارگرایی مربی یا متربی فکر می‌کند که آنچه در اختیار اوست، حقیقت مطلق است و هر چه غیر از اندیشه و دین اوست، باطل مطلق است، زیرا علاوه بر اینکه با حقیقت ادیان منطبق نیست، در افراد تحت تربیت دینی نیز تعصب بی مورد به وجود می‌آورد و باب مراوده فکری میان طرفداران ادیان مختلف را می‌بندد (باقری، ۱۳۸۰).

انعطاف پذیری، روحیه رفق و مدارا

انعطاف‌پذیری به معنای میل به پذیرش تفاوتها، توانایی کنار گذاشتن چارچوبهای ذهنی بسته گذشته، توانایی دیدن اندیشه‌های جدید و افکار نو و پذیرش کارآمدترین باورهاست. فرد انعطاف پذیر، فردی با سعه صدر، شنوای آرای دیگران، فارغ از رفتارهای تبعیض آمیز و پذیرنده وجود تفاوت میان انسانهاست. بنابراین انعطاف پذیر بودن، یک فضیلت محسوب می‌شود و نظام تعلیم و تربیت باید آن را تشویق و ترغیب کند. تفکر انتقادی یک فرآیند خطی و قدم به قدم نیست، بلکه انعطاف پذیری تفکر انتقادی به فرد اجازه می‌دهد که تئوریهای مورد استفاده، شواهد موجود، معیارها یا استانداردهای شرح داده شده یا ارزش روشهای مورد استفاده را به طور منطقی و به روش استدلالی مورد قضاوت قرار دهد. در واقع، فرد با استفاده از توانایی تفکر انتقادی، قادر خواهد بود مشکلات را بررسی کند و در نهایت، نحوه عمل و نوع باوری را که باید داشته باشد تعیین نماید، که جهت رسیدن به چنین باور و عملکردی، نقش مداخله گرانه مهارتهای شناختی تفکر انتقادی بسیار چشمگیر است (خلیل زاده و سلیمان نژاد، ۱۳۸۳). این ویژگی در تفکر انتقادی،

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

با مؤلفه برخورداری از روحیه رفق و مدارا در تربیت دینی، همخوانی دارد. مدارا و تسامح به معنای تحمل عقاید رقیب، در عین باورمندی و پایبندی به حقانیت اعتقادات خود، سعه صدر علمی و گشودن فضای تعامل است. روحیه رفق و مدارا، فرو بردن و کنترل خشم و غیظ و عدم آشفتگی و سراسیمگی در برخوردهای اجتماعی با مردم، از شاخصهای تربیت دینی است. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: ... والکاظمین الغیظ و العافین عن الناس (آل عمران، آیه۱۳۴). یکی از عوامل مهم ماندگاری و جاودانگی دین مبین اسلام، انعطاف‌پذیری آن است. بسیاری از احکام اسلامی ماهیتی منعطف دارند و با زمان و مکان های مختلف قابل تطبیق هستند. پیامبر اعظم (ص) در سخنی حکمت آمیز فرموده است: «مَنْ اِستَوی یَوماه، فَهو مَغْبونٌ؛ هرکس دو روزش یکسان باشد، خسارت دیده است» (مجلسی،۱۴۰۴هق، ج۶۸، ص۲۲۰). افراد با توجه به این سخن پیامبر (ص)، باید به یاد داشته باشند که در دنیایی زندگی می‌کنند که همواره در حال تغییر و تحول است؛ از این رو، هیچ یک از دو روز آنان نباید یکسان باشد. لازمه این سخن، انعطاف در زندگی و ایجاد و خلق هدفهای جدید است. پس تساهل و مدارای اسلامی یک فضیلت اخلاقی و از جمله خصایصی است که انسان در ذات خود از آن برخوردار است، ولی با نسبی گراییِ معرفتی و زیر سؤال بردن حقیقت هیچ نسبتی ندارد. به‌طور کلی، اسلام دین تجاوز و تحمیل نیست و به پیروان عقاید و ادیان دیگر اجازه می‌دهد که در مدینهٔ اسلامی عقاید خود را نگه دارند و از این نظر انعطاف پذیر است.

خودگردانی ذهنی (استقلال فکری)، آزاداندیشی

تفکر انتقادی یعنی نوعی آزاد اندیشی و اندیشه استقلالی. از نظر ریچارد پل، خودگردانی ذهنی یعنی اینکه افرادی که منتقدانه می‌اندیشند، به لحاظ فکری مستقل هستند و مسئولیت افکار خود را می‌پذیرند (پل و الدر، ۲۰۰۵). از نظر ملکیان (۱۳۸۵) فرد نقادی که از شجاعت بی نصیب است، خود–اندیشی و استقلال فکری ندارد و تحت تأثیر القائات، تلقینها، تقلید افکار عمومی و مراجع قدرت واقع می‌شود. از نظر ریچارد پل، تفکر انتقادی هنر اندیشیدن درباره تفکرتان است، وقتی که شما می اندیشید تا تفکر خود را بهتر کنید، یعنی می‌خواهید آن را روشن‌تر، درست‌تر و قابل توجیه‌تر بیان کنید (اسمیت استونر، به نقل از ملکی و حبیبی پور، ۱۳۸۶). یکی از راهکارهای تفکر انتقادی (جردن[1]،۲۰۰۷) آزاد منش بودن است، یعنی فرد به طور منتقدانه بتواند درباره موضوعات مهم خود فکر کند، هر چیز را که می خواند باور نکند و با اولویتها، ارزشها و دیدگاههای دیگران همراهی کند. با اعمال و آموزش تفکر انتقادی، امکان تلقین و خوگیری از طریق اجبار و اکراه

1. Jordan

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

وجود نخواهد داشت و فرد، آزادانه یک نظر یا رفتار را انتخاب یا رد خواهد کرد. صاحبان تفکر انتقادی به صورت انفعالی باورهای دیگران را نمی‌پذیرند. آنان تلاش می‌کنند معیارهای تناسب اطلاعات، زمان کاربرد یک مفهوم و یک مهارت را برای خودشان معین سازند. این ویژگی در تفکر انتقادی با آزاداندیشی و آزادمنشی در تربیت دینی همخوانی دارد. در فرآیند تعلیم و تربیت، فعال بودن، شرط اساسی است و تفکر و استقلال فکری نقشی مهم ایفا می کنند. چازان[1] (۱۹۸۵) تصریح می‌کندکه «اگرچه تربیت دینی مانند تربیت اخلاقی یا تربیت سیاسی ممکن است با یک شیوه تلقینی اجرا شود، اما به لحاظ منطقی، می‌توان نوعی تربیت دینی را تصور کرد که متضمن تحمیل عقاید به شیوه استبدادی نیست، بلکه این مضامین را به بهترین شیوه ممکن ارائه می‌کند تا یک فرد سرانجام بتواند نسبت به باورها و تعهدات دینی‌اش تصمیمی معقول و آزادانه اتخاذ کند » (چازان، ۱۹۸۵). استقلال فکر و اندیشه در انتخاب و تصمیم‌گیری، یکی از ویژگیهای فرد تربیت یافته حقیقی از نظر پیترز[2] (۱۹۷۳) است که با واژه «خودگردانی یا خودمختاری»[3] معادل است. همانگونه که از معنای لغوی این واژه برمی‌آید، شخصی را می‌توان خودگردان نامید که قوانین زندگی خویش را خود انتخاب کند و در تصمیم‌گیریها و انتخابهای فردی، صرفاً تحت تأثیر عوامل بیرونی همچون ستایش یا سرزنش دیگران، تشویق و تنبیه والدین یا معلمان یا فشارهای اجتماعی و عرفی قرار نگیرد، و همواره خود فرد، آخرین مرجع تصمیم‌گیری باشد (پیترز، ۱۹۷۳). دیردن[4] (۱۹۷۵)، نیز بر استقلال فکر به منزله یکی از شاخصهای تربیت یافتگی تأکید دارد و ملاک استقلال نظر را درونی بودن «خاستگاه» تصمیم و انتخاب می‌داند. دیردن، برای روشن شدن دیدگاه خود، اضافه می‌کند که فرد دارای توانایی استقلال فکری، ممکن است هنگام اتخاذ یک تصمیم یا انتخاب میان چند دیدگاه، از توصیه افراد باتجربه و کاردان بهره گیرد؛ به ترغیبها و بدگوییها نیز گوش فرا دهد و حتی اظهار نظرهای آمرانه و جانب دارانه را نیز بشنود، اما در نهایت، خود فرد است که قضاوت نهایی را انجام می‌دهد (دیردن، ۱۹۷۵). بنابراین، محوریت شخص در تفکر و انتخاب، از مهم‌ترین ویژگیهای فرد در تربیت دینی به شمار می‌آید. مبنای تربیت دینی، شکل گیری شخصیت انسان با احترام به حریت و آزادگی است. در تربیت اسلامی سعی بر آن است که متعلم از طریق تفکر و اندیشه ورزی و به دور از هر گونه تعصب کورکورانه سر تسلیم بر آستان حقیقت فرود آورد. این هدف، مورد توجه

1. Chazan
2. Peters
3. Autonomy
4. Dearden

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

ویژه شهید مطهری نیز واقع شده است. وی در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام تصریح می‌کند که معلم باید علاوه بر انتقال معلومات، نیروی فکری متعلم را پرورش بدهد و او را به سوی «استقلال» رهنمون سازد (مطهری، ۱۳۷۹). تربیت دینی، معطوف به تولید اندیشه مستقل و شهامت نقدورزی از نظر چرایی و چگونگی پدیده هاست (کریمی، ۱۳۸۴). نظام تعلیم و تربیت باید متربی را از ترسویی فکری دور نگه دارد. پس در تربیت دینی، خطرپذیری و شجاعت هنگام ابراز عقیده حق در برابر رای و نظر باطل که رایج شده است، همانند شجاعت و صراحت در تفکر انتقادی، پسندیده و مورد تایید است.

ارزیابی و قضاوت صحیح با معیار روشن؛ نقد و ارزیابی، گزینش و طرد

قضاوت صحیح یکی از مهمترین مؤلفه‌های تفکر انتقادی است. به اعتقاد صاحب نظران، ارزیابی و قضاوت صحیح چند ویژگی دارد: قضاوتی است که در آن از تعجیل در قضاوت خودداری می‌شود، بی طرفانه است و از همه مهم‌تر مبتنی بر ملاک است. به نظر لیپمن (۲۰۰۳) تفکر انتقادی، تفکری است که قضاوت خوب را تسهیل می بخشد؛ زیرا مبتنی بر ملاک و خود-اصلاح کننده است و نسبت به زمینه ای که در آن شکل می‌گیرد حساس است. فاسیونه[1] (۲۰۱۰) در الگوی خود از قوه قضاوت سلیم[2]، به منزلهٔ یکی از ویژگیهای تفکر انتقادی نام برده است. از نظر انیس[3]، بیر[4] و نیدلر[5]، قضاوت عنصری کلیدی در تفکر انتقادی است. در اکثر فرهنگنامه‌ها نیز اصطلاح تفکر انتقادی مترادف با قضاوت کردن، تعریف شده است و انتقادی بودن را نوعی تمرین قضاوت دانسته اند (اسمیت[6]، ۱۹۹۲، به نقل از شعبانی و مهرمحمدی، ۱۳۷۹). از نظر بلوم و همکارانش، اصطلاح تفکر انتقادی مترادف با ارزیابی در نظر گرفته شده است که این مهارت در میان شش مهارت برجسته فکری که بلوم آنها را به منزلهٔ اهداف شناختی تعلیم و تربیت برشمرده است، برجسته‌ترین مهارت است (فیشر، ۱۳۸۵). ویژگی یک شهروند سالم، داشتن قدرت ارزیابی و گزینش بالا است که این مسئله از طریق تفکر انتقادی اجرا می‌شود. یکی از مهم‌ترین تمایلات در تفکر انتقادی، بلوغ در قضاوت است. بلوغ و رشد در قضاوت، هنگامی حاصل می‌شود که ارزیابیها و داوریهای متفکرانه همراه با رشد شناختی باشد. افراد با این تمایل به قضاوت و ارزیابی با استفاده از معیارها توجه داشته و آمادگی روبه‌رو شدن با مشکلات را دارند. با توجه کردن به راههای

1. Facione
2. Judicious
3. Ennis
4. Beyer
5. Kneedler
6. Smith

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

گوناگون راه حل مسائل، تصمیم گیری خود را به تعویق می اندازند و در پایان، قضاوتهای خود را اصلاح می‌کنند (برجعلی لو، ۱۳۸۶). این ویژگی در تفکر انتقادی با مؤلفه نقد و ارزیابی، گزینش و طرد در تربیت دینی (باقری، ۱۳۸۰) همخوانی دارد. لازمه حضور غیر انفعالی، ارزیابی اطلاعات و رویدادهای اجتماعی است. سرچشمه این ویژگی، مؤلفه نقادی تربیت است. بر این اساس، تربیت دینی همواره باید پدیده‌های نوظهور این عصر را مورد ارزیابی و نقادی منصفانه قرار دهد و افراد را برای گزینش و طرد آماده سازد.« فَبَشِّر عِبادِیِ الَّذینَ یَستَمِعُونَ القَولَ فَیَتَّبِعُونَ اَحسَنَهُ اُولئِکَ الَّذینَ هَدیهُمُ اللهُ و اُولئِکَ هُم اُولُوالاَلباب » (زمر/ ۱۸ ـ ۱۷): بندگانم را بشارت ده! همان کسانی را که سخن را استماع می‌کنند و آنگاه از بهترین آن پیروی می‌کنند. اینان‌اند که خداوند هدایتشان کرده است و اینان‌اند که خردمندان‌اند. » استاد مطهری در توضیح این آیه می‌نویسد: بندگان خدا پس از استماع سخن، آن را نقادی می‌کنند، آن را که بهتر است، انتخاب می‌کنند و به آن عمل می‌نمایند. اینها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، پس هدایت الهی یعنی بهره‌گیری از عقل و نقد و ارزیابی امور (مطهری،۱۳۷۹). حالت مطلوب تربیت در عصر حاضر، میان دو شیوه تربیت قرنطینه‌ای و تربیت بدون حد و مرز قرار دارد و آن، حالتی است که امکان ارتباط فرد با عوامل پیرامونش به طور کلی قطع نمی‌شود، بلکه وی با وجود داشتن ارتباط می‌کوشد میان آنها تمایز بگذارد و به ارزیابی و گزینش بپردازد. فرد با توانایی و قدرت ارزشیابی، به انتخاب و طرد میان موضوعات و مسائلی که با تربیت او سازگار یا ناسازگارند، اقدام می‌کند. حصاربندی و تربیت قرنطینه‌ای، دور کردن فرد از متن امور و حوادث است (باقری، ۱۳۸۰). پس در تربیت دینی، باید محیطی فراهم شود که در آن، عقاید گوناگون مورد بحث قرار گیرند و سپس ارزیابی شوند. امام علی (ع) می فرماید: « هر چه را مردم می گویند رد نکن که این عمل برای اثبات نادانی تو کافی است» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹). یا می‌فرماید: «کسی که با آرای گوناگون رو به رو می شود، نقاط ضعف و خطای آنها را درک می‌کند » (پیشین). در روایاتی، موضوع نقد و بازنگری مستمر و محاسبه نفس، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲). امر به معروف و نهی از منکر، که از مؤلفه‌های تربیت دینی است نیز مستلزم نقد و ارزیابی مستمر اوضاع جامعه اسلامی است. در همه این روایات، کلام را مورد نقد و ارزیابی قرار دادن و میان خوبیها و بدیها قضاوت کردن، مهم است. این ویژگیها در آموزه‌های تربیت دینی جایگاهی ویژه دارند.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

داشتن انصاف و احترام به سایر دیدگاهها، انصاف و عدالت پذیری

یکی از ویژگیهای فرد دارای تفکر انتقادی این است که به نظرات دیگران احترام می‌گذارد یعنی تمایل به پذیرفتن این را دارد که شاید او در اشتباه است و دیگران درست می‌گویند (زکمایستر و جانسون،[1] ۱۹۹۲، به نقل از ملکی و حبیبی پور، ۱۳۸۶). به اعتقاد ریچارد پل، فرد منتقد برای داشتن تفکری بیطرفانه درباره یک مسئله، باید دیدگاههای گوناگون مرتبط با آن مسئله را شناسایی کند و با نوعی حس همدلی با آن مواجه شود. افرادی که منتقدانه می اندیشند، توانایی همراهی با دیدگاههای مخالف را در خود پرورش می‌دهند و آن دیدگاهها را با روشهای هوشمندانه و بخردانه به روشنی بیان می‌کنند. افرادی که منتقدانه می اندیشند، می‌کوشند از نظر ذهنی، منصف باشند و انصاف ذهنی نیازمند این است که ما بدون توجه به احساسات یا منافع شخصی خود یا گروهمان با دیگر دیدگاهها برخوردی مشابه داشته باشیم (پل و الدر، ۲۰۰۵). برای انتقادی اندیشیدن، باید قادر باشیم نقاط قوت و ضعف دیدگاهها را در نظر بگیریم و خود را به صورت فرضی به جای دیگران بگذاریم تا درک درستی از موقعیت فرد ارائه دهنده یک دیدگاه پیدا کنیم. این ویژگی در تفکر انتقادی با مؤلفه انصاف و عدالت پذیری در تربیت دینی همخوانی دارد. لازمه تقوا، انصاف و عدالت پذیری است (مائده، آیه ۸). جوامع بشری قوتها و ضعفهایی دارند که می‌بایست هر دو آنها با هم در نظر گرفته شوند تا زمینه پیشرفت و تکامل فراهم گردد و به خودستایی نینجامد. با داوری منصفانه است که ما امکان و فرصت انتخاب را در فرد افزایش می‌دهیم. ما شاهد تاثیراتی در جامعه و ایجاد موجهایی برخاسته از برخی ارتباطات اجتماعی هستیم و به نظر می‌رسد که روش قرنطینه سازی چندان پاسخگو نخواهد بود. تربیت، امروزه در محیطی باز و بی دیوار انجام می‌شود، پس بایستی ارزیابی منصفانه و منطقی نه متعصبانه و بی انصاف از جریانات جهانی و فرهنگی انجام شود (باقری، ۱۳۸۰). بایستی با بیان قوتها و ضعفها، احترام به دیدگاهها و مشخص کردن تخریبها و سازندگیها، ذهنیتی روشن برای فرد ایجاد کنیم تا بتواند نسبت به این جریانات اجتماعی و بین المللی و آثارش، داوری و ارزیابی کند و سرانجام انتخاب نماید. لازمه پذیرش دیدگاهها و نظریات گوناگون، احترام گذاشتن به نظر مخالف است. در اندیشه اسلامی، اصل احترام گذاشتن به دیدگاههای مخالف و پذیرش تعدد آرا و نظریات در حوزه فروعات دینی مورد احترام و پذیرش قرار می‌گیرد. در تاریخ اسلام شاهد هستیم که بزرگان دین اسلام همواره بر احترام به آزادی و

1. Zechmeister & Johnson

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

حریت پیروان دیگر ادیان تأکید می‌کردند و مسلمانان نیز همین نظر را نسبت به آنان دارند. اسلام بـه همه ادیـان توحیدی احترام می‌گذارد (صحیفه نور، ج۱۱).

انگیزه و تمایل درونی، تقوای حضور

در تفکر انتقادی، پرورش فردی که بتواند تنها جهان را تفسیر کند، کافی نیست، بلکه فرد باید با انگیزه خواهان تغییر جهان باشد. انیس (۱۹۹۶) معتقد است که فرد نقاد نه فقط باید دلایل را جستجو کند و سعی در تدوین آن داشته باشد؛ بلکه باید برای انجام یافتن آن، تمایل داشته باشد. برای سیگل[1]، حوزه تمایلات بیشتر شبیه ویژگی ریشه دار و عمیق آن چیزی است که شفلر (۱۹۹۱) آن را عشق حقیقی و تنفر از دروغ می خواند (نوشادی،۱۳۸۷). از نظر ریچارد پل (۱۹۹۴، به نقل از نوشادی، ۱۳۸۷)، متفکر نقاد دارای حسی قوی است که تمایل و انگیزهٔ بسیار برای روشنگری، اعتبار و عدالت دارد (همان). تا زمانی که شاگردان انگیزه ای برای به کارگیری تفکر انتقادی نداشته باشند، تعلیم چارچوبی برای تجزیه و تحلیل، کاری بیهوده خواهد بود (مایرز، ۱۳۷۴). همچنین یکی از مؤثرترین راههای تربیت دینی، ایجاد اشتیاق و رغبت در ساختار شناختی و عاطفی فراگیران است. به نظر مربیان تربیتی، نمی توان کسی را تنها با بیان عقلی و فعالیت به دینداری هدایت کرد، بلکه انگیزش فرد باید از درون برانگیخته شود که این امر بر آزادی و انتخاب درونی فرد دلالت دارد (اشلایرماخر[2]، ۲۰۰۵). تربیت دینی، تکیه بر خودجوشی، خود-انگیختگی، خود-یابی و خود-رهبری فرد دارد تا از این طریق به مقصود نهایی یعنی کمال مطلوب، دست‌یابد. آموزه‌های دینی ما، بیشتر بر درونی شدن و عمق بخشیدن به باورهای انسان تأکید می‌کنند، درحالی که تأکید خیلی از شیوه‌های انگیزشی رایج در مدارس، نگه داشتن دانش آموزان در سطح «تنزل از دل به دست» است (انگیزش، تشویق و تنبیه و تربیت دینی، ۱۳۸۹). درونی‌کردن، ناشی از اعتقاد خاصی مبتنی بر این تمایل است که می‌خواهیم رفتار و افکارمان درست و صحیح باشد (ارونسون، ۱۳۶۷) و ایمان، درونی‌سازی نظام تربیتی الهی است. نظام اعتقادات و باورهای هر فرد باید درونی باشد و اسلام نیز به غنای درون بسیار اهمیت می دهد. امام حسین(ع) در دعای عرفه می فرماید: «پروردگارا، به من غنای نفس عطا کن». تربیت دینی، فرآیندی درونی، فاعلی و شخصی است. لذا منشأ تربیت دینی، فرآیندی با انگیزش درونی است و ایمان راستین را نمی‌توان به صورت «تحکمی» و «ساختگی» پدید آورد. در تربیت دینی تأکید بر

1. Siegel
2. Schleiermacher

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

این است که «اصولاً هیچ کار اختیاری بدون نیت و انگیزه انجام نمی‌گیرد». از آن گذشته، ارزش رفتار فرد، به انگیزه‌ای است که در سر پرورانده است. چنانچه گفته‌اند: انگیزه انسان متدین و با ایمان، از رفتار او با ارزش‌تر است. اگر در انجام دادن عملی «نیت» نباشد یا نیتی نادرست باشد، آن عمل سبب کمال نفس نخواهد شد...» (رهنمایی، ۱۳۸۸). در نهج‌البلاغه در کلمات قصار، جمله‌ای به این معنا آمده است که: "فأتوها من قبل شهوتها و اقبالها " کوشش کنید دلها را از ناحیه میل آنها پرورش بدهید، به زور وادارشان نکنید (مطهری،۱۳۷۹). این ویژگی در تفکر انتقادی با مؤلفه تقوای حضور و انگیزه درونی در تربیت دینی همخوانی دارد. حاصل تقوای حضور، تحول و التزام درونی است. تربیت دینی باید بتواند افراد را به گونه ای پرورش دهد که بدون اعمال نظارت و کنترل از بیرون و در متن جامعه، تقوا را پیشه خود سازند. اصولاً استقلال دینی همان تقوا است که سبب کرامت و برتری انسان نزد خدا می‌شود. به تعبیر امام علی (ع): «تقوا مایه اصلی آزادیهاست و نه قید و بند درست کردن برای انسان » (نهج البلاغه، خ۱۴۸). تقوا به نوعی توانمندی شناختی و معرفتی در انسان می انجامد که از روشنی درون به دست می آید و در قرآن با نام « فرقان » یعنی قدرت تشخیص و تمیز میان حق و باطل آمده است (انفال، ۲۹). در این حالت، دیگر نیازی به تدوین قوانین و قید و بندهای مداوم برای کنترل افراد نیست، زیرا منبع این کنترل درونی است و با انگیزه و تمایل فرد صورت گرفته است. مهارت تفکر انتقادی پشتوانه و مکمل تقوای حضور است؛ چرا که لزوم حضور غیرانفعالی، ارزیابی اطلاعات و رویدادها است. این امر نیز زمانی تحقق می‌یابد که فرد از روحیه ای نقادانه برخوردار باشد (باقری، ۱۳۸۴).

صبر و پشتکار، استقامت و تلاش

شفر و روبن فلد[1] (۲۰۰۰)، یکی از اجزای عاطفی تفکر انتقادی را پشتکار می دانند. الدر، نیز یکی از ویژگیهای متفکر منتقد را، سعی و کوشش و کار سخت می‌داند (پل و الدر، ۲۰۰۰). به عقیده ریچارد پل، افرادی که منتقدانه می اندیشند، می آموزند که در شرایط دشوار و در عین ناکامی کار سخت انجام دهند، اما ناامید نشوند (پل و الدر، ۲۰۰۵). یکی از ویژگیهای فرد منتقد از نظر زکمایستر و جانسون (۱۹۹۲)، ایستادگی، پافشاری و استقامت به هنگام تلاش برای حل مشاجرات است؛ یعنی فرد، بررسی و جست و جو را، حتی زمانی که دیگران از یافتن پاسخ دست برداشته اند، ادامه می‌دهد (به نقل از ملکی و حبیبی پور، ۱۳۸۶). متفکران انتقادی با وجود دشواریها و موانع، علاقه‌مند هستند حقایق عقلانی را با پشتکار زیاد دنبال کنند و پیوسته برای از میان بردن

1. Scheffer & Rubenfield

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

ابهامها می‌کوشند. این ویژگی در تفکر انتقادی با مؤلفه روحیه تلاش و همچنین صبر و استقامت در تربیت دینی همخوانی دارد. در آیاتی، کوشش و جوشش فرد، اساس رشد و کمال یا سقوط و ضلال معرفی شده است. خداوند می فرماید: « قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها » هر که در پاکی نفس کوشید، به رستگاری رسید و هر که در پلیدی اش فرو پوشید، تباه و نومید شد (سوره الشمس: ۹ و۱۰). یکی از شاخصهای دیگر تربیت دینی، صبر و استقامت و پایداری است که توجه به این شاخص هم از سوی مربی و هم از سوی متربی ضروری است. از آنجا که دین مجموعه ای از بایدها و نبایدهاست، اطاعات و ترک معاصی، بدون صبر و استقامت، بقا و دوامی ندارد. از این رو، در بعضی از احادیث اسلامی (از جمله حدیثی از امیر مؤمنان علیه السلام) نقل شده است که، صبر و ظفر، قرین هم هستند یعنی به سبب صبر، ظفر می آید، «الصبر الظفر، صبر مساوی با پیروزی است!» (غرر الحکم، حدیث ۲۱۴). در اهمیت صبر، همین بس که امیر مومنان علی(ع) این فضیلت را یکی از اوصاف پرهیزگاران و موقعیت صبر را در برابر ایمان، همانند موقعیت سر نسبت به بدن می‌دانند و می‌فرمایند: « صبر پیشه کنید! زیرا صبر برای ایمان همچون سر برای بدن است و هیچ خیری در بدن، بدون سر نیست و هیچ خیری در ایمانی که صبر با آن نیست، وجود ندارد» (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، حکمت۸۲). در حدیث نبوی آمده است: «لا ایمان لمن لا صبر له؛ کسی که صبر و استقامت ندارد، ایمان او پایدار نخواهد ماند» (نراقی، ص۲۸۸). صبر، وسیلهٔ رسیدن به همه سعادتها و خوشبختیهاست و انسان بدون آن به هیچ مقامی در دنیا و آخرت نمی‌رسد. رسول خدا (ص) فرمودند: «صبر، بهترین مرکب سواری است؛ خداوند هیچ بنده‌ای را بهتر و گسترده تر از صبر روزی نداده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴). تربیت قرنطینه‌ای، روش تربیتی نامطلوب و یکی از لغزشگاهها و نقاط آسیب‌زا و مشکل‌آفرین در تربیت دینی است، زیرا با دور نگه داشتن افراد از مسائل و مشکلات، امکان ایستادگی و مقاومت را در آنها از بین می‌برد. مقاومت و اصطکاک، تنها با رویارویی رخ می‌دهد و رشد می‌کند. حصاربندی به منزله خط مشی اسلامی تربیت، آسیب‌پذیری را در افراد رشد می‌دهد (باقری، ۱۳۸۰).

نتیجه‌گیری

برای رشد و پرورش تفکر انتقادی و همچنین برای قضاوت در این مورد که آیا تربیت دینی با تفکر انتقادی همگراست؛ شناسایی و معرفی مؤلفه‌ها، عناصر و ویژگیهای تفکر انتقادی و تربیت دینی امری ضروری است. حاصل این پژوهش، حاکی از تطبیق و همخوانی برخی از ویژگیهای تفکر انتقادی با مبانی و مؤلفه‌های تربیت دینی است به ویژه که این همگرایی بیشتر در بعد شناختی

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

و مؤلفه‌های فکری یا ذهنی تربیت دینی وجود دارد. با دقت در مؤلفه‌های دین اسلام و مقایسه این ویژگیها با مؤلفه‌های مؤثر در تفکر انتقادی، می‌توان به رابطه محکم میان این دو پی برد و به این نتیجه رسید که تربیت دینی نه تنها با تفکر انتقادی مخالف نیست، بلکه با توصیه‌هایش، تفکر انتقادی را تشویق و تأکید می‌کند. به نظر می‌رسد تفکر انتقادی، روش جدید و مناسبی است که فرد را برای داشتن جهت‌گیری درست و عمیق و رفتار منطقی و تثبیت شده در برابر آموزه‌های دینی یاری می رساند. تفکر انتقادی اساساً با تحلیل و نقد و بررسی مؤلفه‌های تربیت دینی نمود پیدا می‌کند. همچنین، تفکر انتقادی می‌تواند با بازاندیشی معرفتهای دینی و استخراج بخشهای مهجور آن، زمینه ساز رشد دینی جامعه و افراد و بالا بردن قدرت تمیز و تشخیص آنها گردد. البته تبیین و عرضه نوین تربیت دینی و نسبت سنجی آن با نیازهای دنیای معاصر با حفظ مؤلفه‌های آن انجام می‌پذیرد و به معنای عدول از چارچوب آموزه‌های دینی تلقی نمی‌شود. راهبرد کلان تفکر انتقادی، گشودگی در برابر تحولات و مجال دادن به طرح چالشهای جدید در حوزه معرفت دینی با رعایت چارچوب مؤلفه‌های تربیت دینی است. همان گونه که بررسی شد همگرایی مؤلفه‌ها بیشتر در ابعاد ذهنی و شناختی مشاهده می‌شود، بهتر است ضمن تأکید و تقویت این مقوله و توجه به وجوه مثبت و مؤلفه های مؤثر تفکر انتقادی در تربیت دینی، به تقویت بعد رفتاری و عملی تفکر انتقادی در نظام تعلیم و تربیت دینی نیز توجه شود.

در این مقاله، پیشنهادها و راهکارهایی برای تقویت مؤلفه‌های تفکر انتقادی در تربیت دینی ارائه شده است که عبارت اند از:

۱. فرهنگ سازی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به تفکر انتقادی و ارائه آموزشهای لازم در این زمینه برای همهٔ دست اندرکاران تربیتی.
۲. انجام پژوهشهایی در زمینه‌های تبیین جایگاه تفکر انتقادی در تربیت دینی در مدارس ایران.
۳. بررسی راهکارهای بهبود عملکرد تفکر انتقادی در تربیت دینی.
۴. بررسی تناسب تفکر انتقادی به تربیت دینی با محتوای برنامه‌های درسی آموزش دین در مدارس ایران.
۵. نوشتن کتب دینی مدارس و دانشگاهها بر اساس شاخصهای همگرای تفکر انتقادی.
۶. توجه به نظرات اندیشمندان حوزه تفکر انتقادی در تدوین برنامه‌های درسی آموزش دین.
۷. بررسی راههای عملی برای تحقق بخشیدن به تربیت دینی در فضای تفکر انتقادی.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

منابع

قرآن کریم. (۱۳۷۳). (ترجمه ناصر مکارم شیرازی). قم: دارالقرآن الکریم.

نهج البلاغه. (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی. قم: آل علی(ع).

ارونسون، الیور. (۱۳۶۷). *روان‌شناسی اجتماعی*، (ترجمه حسین شکرکن). تهران: انتشارات رشد.

انگیزش، تشویق و تنبیه و تربیت دینی (دی ۱۳۸۹). *ماهنامه رشد آموزش ابتدایی*، ۸۹-۹۰ (۴)، ۲۶.

بار، ارهارد. (۱۳۷۶). *روشن نگری چیست؟* (ترجمه سیروس آرین پور). تهران: نشر آگه.

باقری، خسرو. (۱۳۸۰). *آسیب و سلامت در تربیت دینی. تربیت اسلامی، شماره ۶*. تهران: نشر تربیت اسلامی.

_____ (۱۳۸۴). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج۲*. تهران: انتشارات مدرسه.

برجعلی لو، سمیه. (۱۳۸۶). *تفکر انتقادی، سبک های هویت و تعهد هویت: پیش بینی خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان*. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه تهران.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۸۰). *غررالحکم و دررالکلم*، (ترجمه محمد انصاری). تهران: انتشارات امام عصر(ع).

خلیل زاده، نوراله؛ سلیمان نژاد، اکبر. (۱۳۸۳). *تفکر انتقادی*. تهران: مهر امیرالمومنین، چاپ اول.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). *صحیفه نور*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

داوودی، محمد. (۱۳۸۳). *تربیت دینی، ج۲*. قم: موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.

رهنمایی، سید احمد. (۱۳۸۸). پایه‌های روان شناختی تربیت دینی. *دو فصلنامه اسلام و پژوهش های تربیتی*، ۱ (۲)، ۱۰۹-۱۳۸.

سیف، علی اکبر. (۱۳۷۹). *روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش)*. تهران: انتشارات آگاه.

_____ (۱۳۸۲). *روان شناسی پرورشی*. تهران: انتشارات رشد.

شعبانی، حسن. (۱۳۸۷). *روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارتها و راهبردهای تفکر)*. تهران: سمت.

شعبانی، حسن؛ مهر محمدی، محمود. (۱۳۷۹). پرورش تفکر انتقادی با استفاده از شیوه آموزش مسئله محور. *مدرس علوم انسانی*، ۴ (۱)، ۱۱۵- ۱۲۶.

صادق زاده قمصری، علیرضا. (۱۳۸۰). راهنمای برنامه درسی تعلیمات دینی دوره دبیرستان و پیش دانشگاهی در بوته نقد. *پژوهشهای تربیت اسلامی*، (۶)، ۲۰۹-۲۴۲.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۲). *المیزان*. تهران: بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبایی، ج ۲.

علیخانی، علی اکبر. (۱۳۸۲). *نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

فیشر، رابرت. (۱۳۸۵). *آموزش تفکر به کودکان*، (ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان). اهواز: نشر رسش.

کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۴). *نکته‌های روانشناختی در تربیت دینی فرزندان*. تهران: انتشارات ستاد اقامه نماز.

مایرز، چت. (۱۳۷۴). *آموزش تفکر انتقادی*، (ترجمه خدایار ابیلی). تهران: انتشارات سمت.

متقی هندی، علاء الدین. (۱۴۱۹ ه ق).*کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، (تحقیق محمود عمرالدمیاطی). بیروت: دارالکتب العلمیه.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ هـق). *بحارالانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.

محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۷۹). *میزان الحکمه*، (ترجمه حمید رضا شیخی). قم: انتشارات دارالحدیث.

مشایخی راد، شهاب الدین. (۱۳۸۰). اصول تربیت از دیدگاه امام علی (ع). *مجله روش شناسی علوم انسانی*، ۷ (۲۷)، ۴۹-۶۸.

مطهری، مرتضی. (بی‌تا). *امدادهای غیبی در زندگی بشر؛ به ضمیمه: چهار مقاله دیگر*. تهران: انتشارات صدرا.

_____ (۱۳۷۹). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۴). *اخلاق در قرآن*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ج دوم.

ملکی، حسن؛ حبیبی پور، مجید. (۱۳۸۶). پرورش تفکر انتقادی هدف اساسی تعلیم و تربیت. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۶ (۱۹)، ۹۳-۱۰۸.

ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۵). نقد و چگونگی های آن در ایران. *آینه پژوهش*، (۱۰۰)، مهر و آبان، ۱-۱۰.

نراقی، محمد مهدی. (۱۴۲۲هـ.ق). *جامع السعادات*. بیروت: اعلمی، ج۳.

نوشادی، ناصر. (۱۳۸۷). بررسی گرایش دانشجویان رشته‌های علوم انسانی به تفکر انتقادی: ارائه چارچوب مفهومی برای پرورش تفکر انتقادی دانشجویان علوم انسانی. ارائه شده در *کنگره ملی علوم انسانی*، تهران، اول شهریور ۱۳۸۷.

هاشمیان نژاد، فریده. (۱۳۸۰). پرورش تفکر انتقادی از طریق برنامه درسی دوره ابتدایی. ارائه شده در *همایش برنامه درسی و پرورش تفکر*. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۸۳-۲۵۱.

Chance, P. (1986). *Thinking in the classroom: A survey of programs*. New York: Teachers College, Columbia University.

Chazan, B. (1985). *Contemporary approaches to moral education: Analyzing alternative theories.* New York: Teachers College Press.

Dearden, R.F. (1975). Autonomy as an educational ideal. In S. C. Brown (Ed.), *Philosophers discuss education* (pp. 3-18). London: Macmillan.

Elder, L., & Paul, R. (2008). Critical thinking in a world of accelerating change and complexity. *Social Education*, *72*(7), 388-391.

Ennis, R. (1996). *Critical thinking*. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.

Facione, P. (2010). *Critical thinking: What it is and why it counts*. Available at http://www.insightassessment.com/pdf_files/what&why2006.pdf

Jordan, J. (2007). *16 techniques of critical thinking.* Available at http://www.lukeprog.com

Lipman, M. (2003). *Thinking in education*. Cambridge: Cambridge University Press.

McCarthy, C. (2000). *Why be critical? (or rational, or moral?).* Available at www. utc.edu / EPS / PES / Year book / 92 – dpcs / MCCARTHY.

Nelson, T. O. (2001). *Meaning of critical thinking: Critical thinking and education*. Cambridge: Cambridge University Press.

Paul, R., & Elder, L. (2000). Critical thinking: The path to responsible citizenship. *High School Magazine*, *7*(8), 10-15.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

_____ (2005). *A guide for educators to critical thinking competency standards: Standards, principles, performance indicators, and outcomes with a critical thinking master rubric.* Sonoma: Foundation for critical thinking.

Peters, R.S. (1973). Freedom and the development of the free man. In J.F. Doyle (Ed.), *Educational judgments: Papers in the philosophy of education* (pp. 119-142). London: Routledge.

Sampson, D.C., Moor, R., & Jackson, M.J. (2007). Critical thinking: Do they really have it if they don't know what it is? In *Proceedings of the Allied Academies International Conference*. July 2007.

Scheffer, B.K., & Rubenfield, M.G. (2000). A consensus statement on critical thinking in nursing. *Journal of Nursing Education*, *39*(8), 352-359.

Schleiermacher, F. (2005). *On religion: Speeches to its cultured despisers* (R. Crouter, Trans.). Cambridge: Cambridge University Press.

Scriven, M., & Paul, R. (2007). *Defining critical thinking*. The Critical Thinking Community: Foundation for Critical Thinking. Retrieved January 2, 2008, from http://www.criticalddnking.org/aboutCT/define_criticat_thinking.cfm.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1395.32.3.3.3]
[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-12]